

حکمت در قرآن

از واژه‌های کلیدی قرآن، یکی هم "حکمت" است که با مشتقات آن مثل: حکیم، محکم، حکم، احکام و... جمعاً ۲۱۰ بار در قرآن تکرار شده است. حکمت یکی از کلماتی است که معنای قرآنی آن بسیار متفاوت از آن چیزی است که در تاریخ و فرهنگ اسلامی شناخته شده و در ذهنیت امروز ما وجود دارد.

در قرون اولیه اسلام، از زمانی که متفکرین مسلمان همچون ابن‌سیناها با فلسفه یونان آشنا می‌شدند، واژه حکمت را معادلی برای فلسفه گرفتند و کم‌کم فیلسوفان لقب حکیم یافتند. به همین دلیل مرکز بررسی اندیشه‌های فیلسوفان شرق و غرب را در ایران "انجمن فلسفه و حکمت" نام نهاده‌اند. طبیبان را هم در قرون بعدی حکیم می‌شمردند و درمان بیماری را "حکیم دوا کردن" می‌گفتند. اما هیچکدام این تعریف‌ها معادل کامل کلمه حکمت نیست. پس حکمت چیست و حکیم کیست؟ به قرآن که مراجعه می‌کنیم با این سئوالات مواجه می‌شویم:

طرح سؤال

۱ - خداوند هدف از ارسال پیامبر اسلام را در چهار بند بیان کرده است :

الف) تلاوت آیات خدا ب) تزکیه اخلاقی ج) تعلیم کتاب د) تعلیم حکمت (۱)

از جمله در سوره زیر:

جمعه ۲- هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ...

او کسی است که در میان مردمی آموزش ندیده، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند، پاکشان می‌سازد و به آنها کتاب و حکمت می‌آموزد...

همه می‌دانیم "کتاب" (به معنای نوشته میان دو جلد) در زمان پیامبر^ﷺ وجود نداشت و قرآن در زمان عثمان تدوین و مکتوب شد. پس پیامبر^ﷺ کدام کتاب را تعلیم داد و معنای کتاب چیست؟ آیا حکمت؛ آیا پیامبران برانگیخته شدند تا فلسفه و طبابت به بندگان بیاموزند؟ اگر نه، پس مأمور آموزش چه چیزی بودند؟

۲- در قرآن آمده است که خدا دو چیز را به پیامبر و مسلمانان داده است: کتاب و حکمت! باز هم این سؤال مطرح است؛ منظور از کتاب چیست و حکمت کدام است؟ اگر منظور از کتاب قرآن است، پس حکمت کجاست؟

نساء ۱۱۳- ... وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ...

در قرآن خطاب به همسران پیامبر آمده است که: "یاد کنید آیات خدا و حکمتی را که در خانه‌های شما خوانده می‌شود، خدا باریک بین و بسیار آگاه است." مسلماً در زمان نزول قرآن، که هنوز کلمات رنگ و رسوب بستر تاریخ را نگرفته بود، آنها می‌فهمیدند تفاوت "آیات خدا" با "حکمت" در چیست. ما امروز از این آیات چه می‌فهمیم؟

احزاب ۳۴- وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

۳- خداوند هدایتی را هم که به همه پیامبران داده به دو بخش تقسیم کرده است؛ کتاب و حکمت! به راستی تفاوت این دو گوهر در چیست؟ نگاه کنید به شواهد:

نساء ۵۴- فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا

آل عمران ۸۱- (در باره همه پیامبران) وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ...

بقره ۲۵۱- ... وَقَتْلَ دَاوُودَ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ...

یوسف ۲۲- وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (یوسف)

انبیاء ۷۴- ... وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا...

انبیاء ۷۹- ... فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا... (داود و سلیمان)

قصص ۱۴- وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (موسی)

در چند مورد کتاب و حکمت را در کنار "نبوت" قرار داده تا نشان دهد هر کدام معنای مستقل دارند:

آل عمران ۷۹- مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ ...

جاثیه ۱۶- وَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ و....

انعام ۸۹- أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ

۴- گویا منظور از کتاب، نه همان نوشته میان دو جلد، بلکه صفتی از کتاب یا آثاری از آن باشد، شاهدش آیاتی است که به حضرت عیسی فرموده: "ما به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل دادیم." و همین نشان می‌دهد که معنی کتاب، مستقل از تورات و انجیل است.

آل عمران ۴۸- وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

مائده ۱۱۰- ... وَإِذْ عَلَّمْنَا الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ...^ط

و اصلاً حضرت عیسی (ع) همه آنچه را که آورده "حکمت" نامیده است:

زخرف ۶۳- وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ...

سؤال این است که اولاً حکمت دادنی است یا کسب کردنی؟ ثانیاً این چه گوهر نفیسی است که خیر سرشار نامیده شده؟

سئوالات فوق باید به حد کافی برای ما انگیزه ایجاد کرد باشد که به استخراج این مروارید غلطان و گوهر گران بها بپردازیم.

کنکاشی در معنای حکمت

ما چیزی را که اساسی و استوار باشد، "محکم" و دارای "استحکام" می‌نامیم. هر دو این کلمات با حکیم هم ریشه و در معنا مشترک‌اند. چیزی محکم است که یکپارچه و بدون خلل و فرج و به اصطلاح، نشکن و بادوام باشد. مثل ساختمان، ماشین، میز و صندلی و... پس در معنای ریشه‌ای حکمت، مفهوم کامل و بی عیب و نقص بودن (perfect) نهفته است، مثل کالاهائی که شکستگی و نقصی ندارد و یکپارچه سالم است.

"حکیم" که مبالغه حکمت است، از نام‌های نیکوی خدا به شمار می‌رود و نام‌های نیکوی او کتاب‌های آموزشی ما در مدرسه هستی محسوب می‌شوند. چرا که گفته‌اند: تخلقوا باخلاق الله (به اخلاق‌های خدائی اخلاق خود را زیبا کنید). حکیم بودن خدا دلالت بر کمال مطلقش و عاری بودنش از هر عیب و نقصی می‌کند. نام حکیم ۹۷ بار در قرآن تکرار شده که ۹۱ بار آن در وصف خدا آمده، اما نه به تنهایی، بلکه همواره در ترکیب با نام‌هایی دیگر، مثل: عزیز الحکیم (۴۷ بار)، علیم حکیم (۳۶ بار)، حکیم خبیر (۴ بار)، تواب حکیم، حکیم حمید، و واسعا حکیم.

اگر ابر قدرت و عزتمند و دارای علو است، عزت و علوش نه از زورگویی و تجاوز، که از حکمت پدید آمده (عزیز الحکیم، علی حکیم) و با "علم" و "خبیر" بودن قرین شده است (علیم حکیم، حکیم خبیر). اگر توبه پذیر است،

حکمتی دارد (توابع حکیم)، اگر هم رزق و روزی کسی را وسعت می‌بخشد (واسعا علیما) حکمتی دارد، حکمتی که به راستی ستودنی است (حکیم حمید).

او که نامش "حکیم" است، آنچه بر پیامبر فرستاده که نام‌های: کتاب، ذکر و امر به خود گرفته، تماماً حکیم است، زیرا این کتاب نیز که از جانب خداوند حکیم نازل شده همچون فرستنده‌اش باید کامل و بدون عیب و نقص باشد:

یونس ۱- الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

لقمان ۲- تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

یس ۲- یس ، وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

زخرف ۴- إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدِينًا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ

آل عمران ۵۸ - ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

قرآن دو بخش دارد؛ محکمت و متشابهات. منظور از آیات محکم آیاتی است که روشن و آشکار و کاملاً قابل فهم است، اما متشابهات مربوط به اموری مثل قیامت و عوالم دور از درک ماست که به ناچار به زبان تشبیه و تمثیل بیان شده است.

آل عمران ۷ - هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ...

از زاویه دیگری هم می‌توان به ارتباط کتاب و حکمت نگاه کرد، بر حسب اشارات قرآن، آنچه بر پیامبر نازل شده، در اصل و نزد خدا به صورت یکپارچه بوده است، اما برای فهم و هضم عقلی ما، همچنان که غذا باید در معده به اجزاء و عناصر کوچکی در دستگاه هاضمه تجزیه و قابل جذب شوند، در حد فهم و درک ما "نازل" گشته و تفصیل (فصل فصل، سوره به سوره، آیه به آیه، کلمه به کلمه) گشته است؛

هود ۱- الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ

دخان ۱ تا ۴- حم وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

در اصطلاح، دادگاه را "محکمه"، دادرسی را "محاكمة"، رأی دادگاه را "حکم" و داور را نیز "حکم" می‌نامند. چرا که باید این دادرسی در همه مراحلش عادلانه و مطابق حق و قانون باشد. "حکومت" کردن نیز، برخلاف مفهومی که امروز در میان ما پیدا کرده، همان داورى کردن است. اما چون داورى کردن در جوامع و ایجاد دستگاه دادگستری نیازمند قدرت دولتی و ضمانت اجرائی است و تنها قدرتمندان توانائی تحمل قانون را دارند، به تدریج لقب "حاکم" یافته و تشکیلات حُکام، "حکومت" نام گرفته است چرا که مهمترین نقش قدرت‌های حاکم باید همین صلح و آشتی برقرار کردن میان مردم از طریق داورى عادلانه باشد. جالب اینکه اگر ۹۱ بار نام حکیم در مورد خدا به کار رفته، درست ۹۱ بار هم حُکم (در ترکیبات مختلف اسم و فعل) آمده است! یعنی داورى و حکومت باید خدائی (حکیمانه) و کامل باشد!

بر می‌گیریم به اصل مطلب، یعنی حکمت. با مقدمات فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که حکمت، حالتی نفسانی از درک و فهم و تشخیص حق از باطل است که انسان را به رفتاری نیکو و بی عیب و نقص هدایت می‌کند و عمل او همچون پولادی محکم و یکپارچه خالی از خلل و سستی می‌شود. پس حکمت، عمل (attitude) است، عملی اخلاقی در ارتباط با دیگران.

معنای "کتاب"، اصول و قوانینی است که توسط آفریدگار در نظام طبیعت و شریعت ثابت و مکتوب شده است، اما "حکمت"، رفتار شایسته ماست در این نظام و روابط نیکویی است که با خدا، خلق او و خودمان داریم. با توجه به چنین تعریفی، اینک به مجموعه آیاتی نگاه می‌کنیم که با معرفی یک سلسله رفتارها می‌گوید این‌ها حکمت است. نگاه کنید:

ده فرمان حکمت آمیز و اخلاقی

در آیات ۲۱ تا ۳۹ سوره بنی اسرائیل، ده فرمان نازل شده است: توحید در عبادت، احسان به والدین، دستگیری خویشاوندان، پرهیز از قتل (سقط جنین و کشتن کودکان به خاطر فقر، یا کشتن بی‌گناهان)، دوری از زنا، نخوردن مال یتیم، وفای به عهد، انصاف در معاملات، پرهیز از پیروی کورکورانه، با تکبر راه نرفتن. پس از ذکر این فضائل اخلاقی است که می‌فرماید:

"این‌ها از جمله حکمت‌هایی است که پروردگارت بر تو وحی کرده است...."

اسراء ۳۹- ذَلِكْ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ...

نصایح لقمان حکیم

لقمان، که به حکمتش شناخته شده است، نام سوره‌ای از قرآن است که از آیات ۱۲ تا ۱۹ با ذکر این جمله: "لقد آتینا لقمان الحکمه... جمعاً ۱۰ نصیحت حکیمانه او به فرزندش را نقل کرده است. از این مجموعه نیز می‌توان فهمید معنای حکمت چیست: پرهیز از شرک، احسان به والدین، خدا را حاضر و ناظر اعمال خود دیدن، اقامه صلاه، امر به معروف و نهی از منکر، صبر بر مصیبت، خوشروئی با مردم، بی‌تکبر راه رفتن، میان‌روی در زندگی، کوتاه کردن صدا.

عیسی و یحیی (علیهم‌السلام) از جمله معلمان حکمت

قرآن در مورد حضرت یحیی و حضرت عیسی آورده است که به آنها از همان کودکی حکمت داده شده است:

مریم ۱۲- يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا

زخرف ۶۳- وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ

با مراجعه به سوره مریم می‌بینیم حکمت این دو پیامبر، همان مهربانی ویژه، پروا داری، نیکی به والدین و زورگو و عصیانگر نبودن (به رغم خشونت و سنگدلی حاکم بر روزگار رومیان) بوده است:

مریم ۱۲ تا ۱۴- يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا وَبَرًّا بوالديه و لم يكن جباراً عصياً

مریم ۳۲- ... وَبَرًّا بوالدتي ولم يجعلني جباراً شقياً (در مورد حضرت عیسی)

حکمت در شیوه انفاق

آیات ۲۶۱ تا ۲۸۴ در اواخر سوره بقره یکسره درباره روابط اقتصادی در جامعه اسلامی است که بخش اعظم این آیات به انفاق و آفات آن اختصاص دارد. این بخش از قرآن کامل‌ترین تبیین‌ها را برای شناخت این فریضه مهم قرآنی ارائه می‌دهد و نحوه انفاق کردن و پرهیز از منت‌گذاری و اذیت (به رُخ کشیدن) را آموزش می‌دهد. در متن این آیات است که می‌گوید:

"حکمت را به آنکه بخواد می‌دهد و آنکه حکمت داده شده بی تردید خیر بسیاری داده شده است..."

بقره ۲۶۹- يُوتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ